



عکس:AP

به بهانه همه‌پرسی کردستان عراق

اقوام ایرانی در تجربه زیسته سرزمین یکپارچه ایران

محمدحسین شریف‌زادگان*

شد. همچنین هم‌زمان در آذربایجان، پیشه‌وری نیز جمهوری آذربایجان را تشکیل داد که با پشتیبانی مستقیم شوروی برپا شد و با خروج ارتش شوروی از ایران فروریخت و سران آن به شوروی گریختند. بعد از انقلاب اسلامی نیز با ضعف دولت مرکزی ناشی از فرایند انقلاب، دوباره در کردستان ندای خودمختاری با نبرد مسلحانه سر داده شد و در منطقه ترکمن‌نشین ایران نیز با پشتیبانی جمهوری ترکمنستان شوروی و در خوزستان با پشتیبانی سازمان‌های کمونیست فلسطین صдаيي به گوش رسید که معنی آن خودمختاری و استقلال بود. علاوه‌بر کم‌توجهی به خواست اقوام و در نتیجه توسعه‌نیافتگی آنها به‌عنوان نارضایتی، پشت همه این وقایع تاریخی اراده‌ای خارجی نه به‌عنوان یک توهم، بلکه به‌عنوان یک واقعه تاریخی مشاهده می‌شود. بعد از جنگ جهانی اول و فروپاشی حکومت گسترده عثمانی، در منطقه بالکان، زبان‌ها و قومیت‌های متعددی وجود داشت‌که در معرض تکه‌تکه‌شدن به کشورهای کوچک بود، به دلایل متعددی سعی کردند این مجموعه را در بالکان متحد و کشورهای یکپارچهای تشکیل دهند. این پدیده و عکس آن که تجمع و فروپاشی یک منطقه دارای قومیت‌ها و زبان‌ها و سرزمین‌های کوچک است، به پدیده بالکانی شدن معروف شد. برای خاورمیانه و ایران طرح‌هایی به منظور بالکانیزه‌کردن و تبدیل آن به کشورهای کوچک و با اقتدار اندک طرح‌ریزی شده است. تشکیل کشور کردستان عراق را که عوامل فراوانی آن را شکل می‌دهد نیز می‌توان در این چارچوب تفسیر کرد. این نگاه ژئواستراتژیک به منطقه خاورمیانه و ایران از منظر مزیت‌های نسبی راهبردی منابع زیرزمینی، ارتباطات بین‌المللی و هژمونی قدرت‌های بزرگ بر این منابع را می‌توان دلایلی بر وجود این‌گونه استراتژی‌ها در تغییر مرزهای کشورهای خاورمیانه دانست. در این چارچوب مفهومی، ایران دارای اندیشه‌ای برای اداره حکومت یکپارچه مبتنی‌بر تمدن ایرانی– اسلامی است و دارای یک ملت به معنی تاریخی، جامعه‌شناختی و تشخیص فرهنگ ملی است که کارکرد خود را با آمیزش و تقسیم کار ملی

↑
↑ می‌توان سیاست‌های به‌هم‌پیوستگی و فراگیری (Inclusive Policies) را که موجب به‌هم‌پیوستگی اجتماعی و بالارفتن میزان مشارکت‌جویی اقوام ایرانی در همه ابعاد توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است به اجرا درآورد و از سیاست‌های جداسازی و طرد اجتماعی (Exclusive Policies) اقوام ایرانی اجتناب کرد
↑



سیاست

نگاه

مدیران ماندگار



«دیوان‌سالار ایرانی معمولاً فقط شغل را تصاحب نمی‌کند بلکه در واقع آن شغل را مالک می‌شود. این مالکیت معرف دارایی‌ای است که اگر به آن کوچک‌ترین تعرضی شود، با قاطعیت تمام هدف مقابله قرار خواهد گرفت. تقریباً هر عمل اداری مثبت نشانه تضعیف این پیش‌بینی تبعات نهایی آن نیز تقریباً غیرممکن است.»

عبارت بالا از کتاب برنامه‌ریزی در ایران نوشته مک لنود نقل شده است. این کتاب ماحصل حضور گروه مشاوران دانشگاه هاروارد است که برای تدوین برنامه سوم عمرانی پیش از انقلاب به ایران آمده بودند و همان‌طور که دیده می‌شود، با وجود گذشت بیش از ۵۰ سال از عمر این کتاب، گویی هم‌اکنون و مشخصاً در توصیف ویژگی‌های مدیریتی امروز ما نگاشته شده است. این بخش از کتاب به مسئله‌ای مزمن و تاریخی در ایران اشاره دارد: ماندگاری مقامات در ایران؛ موضوعی که هم‌اکنون نیز گریبانگیر مدیریت در کشور است و چاره‌جویی برای رفع آن تبدیل به مطالبه‌ای عمومی در جامعه شده است.

مک لنود در ادامه یادآور می‌شود: «عنصر حاکم بر دیوان‌سالاری ایران شخصی‌شدن وظایف است و همین امر به‌تنهایی هرگونه تلاش برای ایجاد تمایز بین روابط اداری و روابط شخصی را عقیم می‌کند. در این نظام وفاداری مهم‌تر از کارایی است.»

این گزارش تصریح می‌کند که اساساً موضوع دستیابی به مقامات اجرایی در ایران مسئله‌ای بسیار مهم و سرنوشت‌ساز برای اشخاص است و تأثیرات این صاحب‌منصب‌شدن موضوعی فراتر از یک تصمیم اداری و یک جابه‌جایی، ارتقا یا تنزل شغلی است؛ موضوع، درهم‌تنیدگی شغل و حیثیت است. موضوع درهم‌تنیدگی مدیران با شغل و روستاهای بی‌شمار، بزرگ‌ترین بازار کار و اشتغال و تولید بلندمدت را در کشورهای خود از راه بازسازی این منطقه برای خود تدارک دیده‌اند. این منطقه جنگ‌زده وسیع شامل سوریه، عراق، یمن، و شاید افغانستان است که باید کلاً بازسازی شود. در همین دوره تخریب چهار کشور مورد اشاره، شیخ‌نشین‌های عربی در خلیج‌فارس به حد‌اعلای توسعه‌مادی خود رسیده‌اند. دلیل این دستاورد بر کسبی پوشیده نیست و آن استفاده از چتر حمایت آمریکا و انگلیس از ملاًلا امارات متحده عربی است که در آغاز از سوی انگلستان به وجود آمده، سپس به سلطه ایالات متحده آمریکا درآمد. اهمیت و گستره بازسازی کشورهای تخریب‌شده در خاورمیانه دست‌کمی از بازسازی اروپا و شوروی پس از جنگ جهانی دوم ندارد. بازسازی اروپا به‌ویژه آلمان با کمک طرح مارشال و به وسیله آمریکا صورت گرفت. در این بازسازی، به‌ویژه در آلمان که دارای زمینه قوی صنعتی و مهارت بود، فکر از آلمانی‌ها بود و کار از سوی کارگران مهاجر از ترکیه صورت گرفت.

بازسازی منطقه عظیم خاورمیانه به‌ظاهر یک عبارت کوچک است، اما در عمل به مفهوم بازسازی همه شبکه‌های زیربنایی و رونمایی از برق، آب و فاضلاب، راهسازی، مخابرات و تجدید بنای صنایع تخریب‌شده در مناطق شهری و روستایی تا ساخت میلیون‌ها واحد مسکونی و خدماتی ازجمله بیمارستان‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و اماکن مذهبی است. این بازار بالقوه می‌تواند در کشورهای ۵۰+ صدها میلیون کار دست‌کم برای چند دهه آینده ایجاد کند، به شرط اینکه کسی مزاحم یا رقیب آنها نباشد.

فریادهای ترامپ برای سخت‌گیری هرچه بیشتر نسبت به ایران ناشی از علاقه به حفظ برتری در گروه کشورهای ۵۰+ است؛ حالتی که در دخال‌ت آمریکا در طرح مارشال و بازسازی اروپا پس از جنگ دوم جهانی دیده می‌شود. رفتار ایران در این باره نشان‌دهنده اهمیت و چین به‌شدت کاهش می‌دهد. داشتن یا نداشتن بمب اتمی آن‌قدرها اهمیت ندارد. پاکستان دارای بمب اتمی است اما از واشگتن حرف‌شنوی دارد. هند بمب اتمی دارد اما مزاحمتی برای آمریکا ایجاد نمی‌کند. در سال ۲۰۰۳، امانوئل دُ، نویسنده رشتن‌ضمیر فرانسوی، که احترام زیادی برای ایران قائل است، در کتاب «جهان‌های پس از جهانگشایی» که پرفروش‌ترین کتاب سال اروپا شد (ترجمه این‌جانب، انتشارات رسا) وضعیت امروز و گرایش همکاری ایران، روسیه و چین در رقابت با نفوذ و کنترل سنتی انگلیس و ایالات متحده بر خاورمیانه را به‌روشنی پیش‌بینی کرده بود. در آن کتاب، نویسنده می‌گوید که آمریکا در سلطه‌یافتن بر کشورهای مستعمره اروپایی– از آفریقا گرفته تا چین–به‌صورت دست‌کم به مستعمرات کشورهای اروپایی دست‌اندازی کرد. هر کشور استعماری اروپایی که پس از جنگ جهانی دوم دچار ضعف شده بود عملاً مستعمره خود را دودستی به آمریکا تقدیم کرد. آقای تد می‌گوید آمریکا در جهان‌گیری موفق‌تر از جهان‌داری است. نگارنده در پیشگفتار آن کتاب تفاوت میان جهان‌گشایی و جهان‌داری را شرح داده‌ام. نمونه بارز این امر در ویتنام دیده می‌شود. در عبارت دیگر، اگر «جهان‌گیری» را با شکار حیوانات مقایسه کنیم، آمریکا می‌خواهد نقش اول را در شکار ایفا کند اما می‌داند که بخشی از شکار به‌دست‌آمده به درد او نمی‌خورد. پس، وجود شریک دست‌دوم برای او مشکلی ندارد و قابل‌تحمل است. اما شکارچیان دست‌دوم که نتوان محدودتری دارند آمریکا را به حمله و کشتن شکار تشویق می‌کنند.

ادامه در صفحه ۱۱

نگاه

چیدمان بازسازی خاورمیانه به‌کدام سومی‌رود؟

هوشیار باشیم، برجام بهانه‌است



ریشه برجام به ماجرای سفارت آمریکا برمی‌گردد. شاید دانشجویان در آن زمان از تبعات بلندمدت این حرکت آگاه نبودند. از آن زمان نزدیک به ۴۰ سال می‌گذرد و با وجود پایش طولانی تحولات سیاسی در آمریکا، هنوز تصویر روشن و یکسانی میان مسئولان دولتی ایران نسبت به کنش و واکنش در میان دو کشور به وجود نیامده است. در بحبوحه انتخابات اخیر آمریکا، برخی از محافظه‌کاران ایران تصور می‌کردند که برنده‌شدن جمهوری‌خواهان در انتخابات به سود ایران است و اصلاح‌طلبان بیشتر چشم به پیروزی دموکرات‌ها داشتند. پیروزشدن ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برای بسیاری از سیاست‌مداران و مسئولان ایرانی شگفتی‌برانگیز بود. شگفتی‌برانگیزتر از آن، رفتار و منش ترامپ است که نه‌تنها ایرانیان بلکه همه جهان را متعجب کرده است. در یک جمع‌بندی، اکثریت مردم جهان حتی بیشتر اعضای کنگره آمریکا دارند امیدشان را از بقای ترامپ در مسند ریاست از دست می‌دهند. حضور یک فرد ناشی در مسند قدرت در کاخ سفید، اگر جنگ راه نینفتد، برای خاورمیانه و ایران یک هدیه الهی خواهد بود زیرا اگر هیلاری کلینتون انتخاب شده بود، که بسیاری به دلیل آرای بیشترش چشم به او دوخته بودند، پیچیدگی رابطه ایران با آمریکا بیشتر می‌شد چراکه او بسیار زیرک و پیچیده است. در حالی که این روزها کاسه‌کوزه هر حرکت نادرست از دید جهانی و حتی کنگره آمریکا را بر سر ترامپ می‌شکنند. ترامپ با رفتاری که دارد یک رئیس‌جمهوری ایده‌آل از دید منافع ایران است. در قضیه برجام که در چهار سال دوم ریاست‌جمهوری او‌باما شکل گرفت، او‌باما با وجود زخم‌زبان‌های زیادی که از سوی برخی در ایران به او زده شد، به چند دلیل در سخت‌گیری‌های خود از آنچه نهایتاً در چارچوب برجام گنجانیده شد فراتر نرفت. نخست به این دلیل که او ۵۰ درصد مسلمان و ۵۰ درصد مسیحی است. دوم اینکه با توجه به فرصت کوتاه باقی‌مانده تا پایان دور دوم ریاست‌جمهوری خود، نمی‌خواست بحران خاورمیانه را تشدید کند. سوم اینکه او یک دموکرات بود و دموکرات‌ها گرچه با سیاست‌های مقابله‌جویی ایران در خاورمیانه مخالفند، اما صرفاً در چارچوب منافع اصحاب ثروت ووال‌استریت عمل نمی‌کنند. به عبارت دیگر، کمی مردمی‌تر از محافظه‌کاران عمل می‌کنند. با وجود این، هوشیاری ایران از این نظر ضروری است، زیرا محرومیت‌های تحمل‌شده بر ایران– که در حال افزایش است– به منزله حرکت یک مهره شطرنج در بازی رقابت ابرقدرت‌هاست، نه یک بازی میان ایران و آمریکا. آمریکا ناخواسته دارد به‌تدریج توان رقابت با اعضای اصلی برجام– انگلیس، روسیه، فرانسه چین و آلمان– را از دست می‌دهد. قدرت‌های بزرگ در یک دهه اخیر با ایجاد اغتشاش در این منطقه و تخریب و نابودی گسترده– از صنایع و زیربنایهای شهری و منطقه‌ای گرفته تا خانه و کاشانه مردم شهرها و روستاهای بی‌شمار– بزرگ‌ترین بازار کار و اشتغال و تولید بلندمدت را در کشورهای خود از راه بازسازی این منطقه برای خود تدارک دیده‌اند. این منطقه جنگ‌زده وسیع شامل سوریه، عراق، یمن، و شاید افغانستان است که باید کلاً بازسازی شود. در همین دوره تخریب چهار کشور مورد اشاره، شیخ‌نشین‌های عربی در خلیج‌فارس به حد‌اعلای توسعه‌مادی خود رسیده‌اند. دلیل این دستاورد بر کسبی پوشیده نیست و آن استفاده از چتر حمایت آمریکا و انگلیس از ملاًلا امارات متحده عربی است که در آغاز از سوی انگلستان به وجود آمده، سپس به سلطه ایالات متحده آمریکا درآمد. اهمیت و گستره بازسازی کشورهای تخریب‌شده در خاورمیانه دست‌کمی از بازسازی اروپا و شوروی پس از جنگ جهانی دوم ندارد. بازسازی اروپا به‌ویژه آلمان با کمک طرح مارشال و به وسیله آمریکا صورت گرفت. در این بازسازی، به‌ویژه در آلمان که دارای زمینه قوی صنعتی و مهارت بود، فکر از آلمانی‌ها بود و کار از سوی کارگران مهاجر از ترکیه صورت گرفت.

بازسازی منطقه عظیم خاورمیانه به‌ظاهر یک عبارت کوچک است، اما در عمل به مفهوم بازسازی همه شبکه‌های زیربنایی و رونمایی از برق، آب و فاضلاب، راهسازی، مخابرات و تجدید بنای صنایع تخریب‌شده در مناطق شهری و روستایی تا ساخت میلیون‌ها واحد مسکونی و خدماتی ازجمله بیمارستان‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، مساجد و اماکن مذهبی است. این بازار بالقوه می‌تواند در کشورهای ۵۰+ صدها میلیون کار دست‌کم برای چند دهه آینده ایجاد کند، به شرط اینکه کسی مزاحم یا رقیب آنها نباشد.

ادامه در صفحه ۱۱